

تاریخ ایران پیش از اسلام

تدوین دکتر بهمن محتشمی



نشر دات

سرشناسه	محتشمی، بهمن، ۱۳۱۶ -
عنوان و نام پدیدآور	تاریخ ایران پیش از اسلام / تدوین بهمن محتشمی.
مشخصات نشر	تهران: دات، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	۳۱۳ ص.
شابک	۹۷۸-۹۶۴-۸۸۹۸-۶۸-۳
وضعیت فهرست نویسی	فیا.
یادداشت	کتابنامه.
یادداشت	نمایه.
موضوع	ایران -- تاریخ -- پیش از اسلام.
موضوع	To 633 -- Iran -- History
رده بندی کنگره	DSR ۱۴۰ / ۲ ۱۳۹۶ م / ۳۳
رده بندی دی سی	۹۵۵ / ۰۱
شماره ثبت	۴۷۳۸۸۵۲



تاریخ ایران پیش از اسلام

تدوین:	بهمن محتشمی
نوبت چاپ:	چاپ اول ۱۳۹۶
شمارگان:	۱۰۰۰ نسخه

چاپ و صحافی بهمن	
شابک:	۹۷۸-۹۶۴-۸۸۹۸-۶۱-۳
تلفکس انتشارات:	۶۶۴۸۳۰۷۴
http://www.dotbook.ir	Email: info@dotbook.ir

کلیه حقوق نشر محفوظ است

قیمت: ۲۰۰۰۰ تومان

فهرست

۱۱	مقدمه
۲۵	فلات، ایران و ساکنان ابتدایی
۲۷	الام
۵۱	پادشاهی ماد
۶۳	امپراتوری هخامنشی (۵۵۱-۳۳۰)
۶۷	یونان
۷۳	کوروش پس از فتح لیدی
۱۱۹	سلوکیان (۳۰۱-۶۴)
۱۲۷	اشکانیان
۱۴۷	روم
۲۱۹	دنیاله تاریخ روم
۲۴۴	ساسانیان
۲۹۹	مراجع
۳۰۱	نمایه

پیشگفتار

بسیاری از ایرانیان زمانی به فکر می‌افتند که به گذشته خویش آشنایی پیدا کنند و دنبال کتاب تاریخ می‌گردند ولی کمتر کتاب مناسبی می‌یابند. کتاب‌های خوب در این زمینه بسیار نوشته شده است ولی کتاب برای این منظور باید کتابی باشند آسان و سرگرم‌کننده خالی از مطالب پیچیده و بسیار می‌و در عین حال دارای آگاهی‌های آموزنده که به خواننده یک نظر کلی و فراگیری از آنچه در سرزمین ایران گذشته است بدهد، زیرا ایرانیان آنگاه بیشتر در مورد احساس هویت می‌کنند که از گذشته خویش اطلاع کافی داشته باشند. انتخاب کتاب نیز باید دقت کرد چون در بعضی از نوشته‌ها همه مطالبشان قابل اعتماد نیست و افسانه و تاریخ با هم مخلوط شده‌اند. تاریخ خوب نیست که ما از خود درآوریم و باید از نوشته‌های مورخان شناخته شده و موثق و منابع مورد اعتماد استفاده کرد و از منابع افسانه‌ای یا مبهم پرهیز کرد. هر کتاب تاریخ به منظوری نوشته می‌شود: زمانی برای متخصصان فن نوشته می‌شود که آن برای مردمان عادی خسته‌کننده و غیرقابل استفاده است. تاریخ برای مردمان عادی نوشته می‌شود باید در عین حال که آگاه‌کننده و بی‌گیری است تا آنجا که ممکن است از مطالب خسته‌کننده عاری باشد و جالب باشد. به این جهت و با در نظر گرفتن اینکه بعضی از آشنایان از من کتاب تاریخی خواستند من تصمیم گرفتم که خود با مراجعه به نوشته‌های موثق و نیز تجربیات سال‌های طولانی در این مورد خود به نوشتن تاریخی جهت استفاده دوستداران تاریخ اقدام کنم. در این راه ابتدا به نوشتن تاریخ قدیم ایران اقدام می‌کنیم و چنانچه موفقیت‌آمیز بود به نوشتن قسمت بعدی آن ادامه خواهیم داد.

در اینجا مناسب است که اصولاً تاریخچه‌ای از نوشتن تاریخ قدیم ایران ذکر شود:

اصولاً ایرانیان قدیم از زمان ساسانیان تا یکی دو قرن اخیر از تاریخ قدیم ایران ناآگاه بودند و چیزی به عنوان ماد و هخامنشی و غیره نمی‌دانستند. علت آن را می‌توان در حوادثی که پس از هجوم اسکندر در ایران رخ داد جستجو کنیم. با حمله‌ی اسکندر تمام سازمان اداری هخامنشی درهم ریخت و پس از مرگ او سردارانش آن‌چنان سال‌ها در سرزمین‌های گسسته و سرگرم زد و خورد و کشمکش بودند که کسی در فکر جمع و درج تاریخ نبود. در دوران سلوکیان نیز مسلماً سازمان صحیحی از این نظر وجود نداشت و کتیبه‌های بیستون و سایر نواحی نیز فراموش شده و چگونگی خواندن آنها نیز از یادها رفت و کسی نمی‌توانست از آن سر در آورد. در دوران اشکانیان معلوم نیست که چه مقدار از تاریخ قدیم آگاهی داشت. ولی بعید نیست با وجود تفوق زبان یونانی و وجود نوشته‌های مورخان یونانی مقداری آگاهی از دوران کهن وجود داشت. به نظر می‌رسد بیشترین آسب در زمان ساسانیان به این موضوع وارد شده باشد چون اصولاً ساسانیان برای توجیه کار خود و دادن مشروعیت به خود اشکانیان را به عنوان غاصب‌هایی بیگانه معرفی کرده بودند که کشور را از یوغ آنان آزاد کرده‌اند. در این راه تمام آثار اشکانیان را از بین بردند و حتی طولانی حکومت ایشان را به نصف تقلیل دادند و یاد آنها را از خاطره‌ها بردند. مسلماً در عین حال که برای زدودن آثار اشکانی داشتند آنچه از پیش نیز همراه آن بود از بین رفت.

در دوران ساسانی آگاهی‌هایی از یک دوران باشکوه قدیمی بود ولی موثق و نوشته شده نبود و داستان‌هایی بود که سینه به سینه نقل شده بود و چیزی که به این ترتیب درآید قلب شده و به صورت افسانه‌های باورنکردنی درمی‌آید. در اواخر دوران ساسانی به فکر افتادند که داستان‌های تاریخی ایران را به شکل مکتوب درآورند و کسانی که در آن

زمان شایستگی این کار را داشتند و اهل سواد بودند، موبدان بودند و به این جهت آنها را جمع کردند و موبدان نیز این داستان‌ها را که سینه به سینه نقل شده بود و مسلماً در هر انتقالی تغییری پیدا کرده بود گرد آوردند و آن را خداینامک نام نهادند. این روش نوشتن را می‌توانیم کاملاً نزد خود تصور کنیم چون یکبار دیگر نیز در دوران پس از اسلام و در زمان سامانیان رخ داد. در آن زمان مرد آزاده‌ای به نام ابومنصور عبدالرزاق بهسالار خراسان به فکر افتاد تاریخ قدیم ایران را گردآوری کند. او از دهات خراسان که هنوز زردشتیان در آنها فراوان بودند موبدانی جمع کرد و آنها را به نوشتن تاریخ می‌خواند که به آن شاهنامه ابومنصوری می‌گویند و داشت فردوسی در این باره می‌گوید:

یکی پهلوان بود در بقان نژاد دلیر و بزرگ و خردمند و راد
 زهر گوشه‌یی موبدی به بخورد برآورد و این قصه را گرد کد
 این داستان‌ها در نبودن تاریخ مسند و موثق ایران بسیار مؤثر و برآورنده‌ی
 حس قهرمانی و دلاوری و بهین دوانی و محرک بزرگان در کوشش
 برای نیرومند کردن ایران می‌شد و در دنیای امروز که ما به تاریخ واقعی
 قدیم ایران کم و بیش آگاه شده‌ایم باید بپذیریم که اینها افسانه و اساطیرند
 و در دنیای امروز از نظر تاریخ جایی ندارند. انسان بودن آنها از خود
 داستان‌ها آشکار است. چگونه می‌توان در تاریخ پادشاهانی آورد که
 هزار سال یا ششصد سال زندگی کردند یا از دوشیدن مار به روید یا
 پهلوانایی بودند که ششصد سال زندگی کردند و به جنگ با هیولاها
 می‌رفتند، ولی آنچه باعث تأسف است این است حتی بعضی از فلاسفه
 سعی دارند این داستان‌ها را به نحوی جزء تاریخ کنند ولی در هر روش که
 پیش گرفته‌اند به اشکالی برمی‌خورند؛ چون این داستان‌ها موثق نیستند و
 تاریخ وقوع‌شان مشخص نیست، به اختیار خود آنها را در هر تاریخی که
 می‌خواهند می‌گنجانند، مثلاً گروهی آنها را به دوران پیش از مادها
 منتسب می‌کنند و چند هزار سال برای آن به اختیار خود تاریخ تعیین

می‌کنند. اشکالی که پیش می‌آید این است که این داستان‌ها به دوران اسکندر و دارا که ظاهراً همان داریوش است می‌انجامد، بنابراین این دوران باید با دوران هخامنشی همزمان باشد و چگونه این تناقض را توجیه می‌کنند. گروهی این داستان‌ها را به حکومت‌هایی در شرق ایران تنسب می‌کنند. ما وضعیت شرق ایران را تا حدود زیادی می‌دانیم و می‌دانیم که در زمان داریوش اول تا حدود سند در قلمرو او بوده است و این حکومت‌هایی وجود نداشته است. بعضی می‌گویند این داستان‌ها مربوط به اقوام آریایی است که در سرزمین‌هایی پیش از ورود به فلات ایران زندگی داشته‌اند که آن هم به عقل درست در نمی‌آید. در کدام سرزمین؟ اگر بیرون از ایران بوده که به تاریخ ایران ربطی ندارد و تازه چنین چیزی چگونه می‌تواند به اسکندر و دارا منتهی شود. بنابراین نیک که بنگریم این داستان‌ها از بن افسانه‌ای ساخته و پرداخته‌ی ذهن کسانی است که این داستان‌ها را از پدران گرفته و سرزندان خود سینه به سینه منتقل کرده‌اند و در هر انتقال چون مکتب نبوده تغییراتی کرده است تا به ما رسیده. در زمان امپراتوری ساسانی که به فکر رسیدند باید تاریخی بنگارند چون هنوز تاریخ‌نویسی علمی را ندانستند برای این کار موبدان را گرد آوردند و آنها این داستان‌ها را نوشتند و وقتی به تاریخ ساسانیان رسیدند چون در زمان خودشان بودند آن را به صورت واقع نوشتند. با این همه در آن نیز سکنه‌هایی وجود داد و مثلاً برای اردشیر بابکان چون چندصد سال گذشته بود و وقایع فراموش شد به راز از طرفی مؤسس سلسله باید کارهای محیرالعقول بکند و این کارها را می‌توانستند آن روزها به باور مردمان درآورند، داستان کرم هفتواد را برای او ساختند.

این پرسش پیش می‌آید که اگر ایرانیان قدیم از تاریخ خود آگاه نبودند چطور ما که پس از آنها آمده‌ایم آن را می‌دانیم. باید گفت که تاریخ ایران وجود داشته است که در نوشته‌های مورخان بزرگ یونانی و دیگران و نیز

در کتیبه‌های شاهان و سایر مدارک بوده است که ما به آنها نمی‌پرداخته‌ایم. اولین بار دانشمندان باختری از روی نوشته‌های مورخان یونانی و رومی و غیره آغاز به نوشتن تاریخ ملل قدیم از جمله ایران کردند و اولین بار مستشرقان رمز خواندن کتیبه‌های داریوش و دیگران را کشف کردند و حقیقت را باید پذیرفت که کشف تاریخ قدیم ایران تقریباً تماماً کار دانشمندان باختری بوده است.

چرا تاریخ ایران خواندنی است: از نظر یک ایرانی مسلماً تاریخ ایران جالب است چون مربوط به خود اوست ولی از نظر یک فرد بی‌طرف تاریخ ایران ویژگی‌هایی دارد که آن را جالب می‌کند که می‌توان آنها را چنین گفت:

قدمت: تاریخ ایران یکی از قدیمی‌ترین تاریخ‌های دنیا است که این خود آن را خواندنی می‌کند چون با سرگذشت بسیاری از اقوامی که آمدند و رفتند همراه است.

ماجرای ایران در مکانی قرار دارد که چهار راهی برای عبور اقوام گوناگون است و این خود حوادث پرماجرایی می‌آفریند که بسیار خواندنی است. اثر ایران چه اثری در کل تاریخ جهان داشت؟ خود قدمت تاریخی نشانه‌ای اثر در تاریخ جهان است. آیا ایران چه چیزی از تمدن به جهانیان عرضه داشته است؟ ایران در دوران حکومت‌های آریایی به مدت حدود هزار سال یکی از ابرنیروهای جهان بوده است. با ابرنری اول یا ابرنیروی دوم و بنابراین در این دوران در ساختار جهان تاثیر بسیار داشته است. و بارها جلوی تاخت و تاز قبایل وحشی از خاور به باختر را گرفته است. از نظر شرکت در پیشرفت تمدن اگرچه در بعضی از نوشته‌ها که تحت تاثیر داستان‌های افسانه‌ای هستند (که از آنها یاد شد) غلو می‌شود و بسیاری از چیزها را به ایرانی‌ها نسبت می‌دهند که واقعیت ندارد ولی باید گفت که بعضی از پیشرفت‌های سفالگری، نساجی و صنعتی قدیم به وسیله ایرانی‌ها انجام شده است، مثلاً در حفر قنات و آبیاری و ایجاد

آسیاب‌های بادی ایرانیان پیشقدم بوده‌اند.

از نظر تأثیر در پیشرفت دانش در قرن‌های میانه می‌توان گفت به مدت حدود سیصد سال ایران مرکز دانش جهان بود. ایرانیان دانش‌های یونان را گرفتند و به آن افزودند که پس از افول ایران دانش‌ها به اروپا رفت و دوران رنسانس در اروپا شروع شد.

بنابراین آگاهی از تاریخ ایران به آگاهی از تاریخ جهان کمک می‌کند و کسی که علاقمند به تاریخ است بدون دانستن تاریخ ایران معلومات او کامل نمی‌شود.

مقدمه

و بر د اقوام آریایی به ایران در حدود سه هزار سال پیش از مهم ترین وقایع تاریخ ایران بوده است. این اقوام ساکنان پیشین این سرزمین را تحت الشوع خود قرار دادند و تأثیر آنها در رویدادهای بعدی این سرزمین بسیار بارز و همه جانبه بوده است به طوری که فرهنگ ما بیش از هر چیز دیگر از فرهنگ آریایی نتیجه شده است و حتی نام ایران از آریا گرفته شده است. ولی این بدان معنی نیست که مردم این کشور را فقط آریایی ها ساخته اند بلکه وقتی آریایی ها وارد شدند مردمانی در این سرزمین زندگی می کردند که از هزار سال پیش بوده اند و تاریخ و سرگذشت درخشانی داشته اند. پس با در نظر گرفتن آنها می توان آغاز تاریخ ایران را تا شش هزار سال پیش عقب برد. آریایی ها با ساکنان دیگر درهم آمیختند و سازمان این کشور را ساختند. پس از آن با ما ایرانیان کانون هجوم و مهاجرت اقوام دیگر مانند یونانی ها، عرب ها، ترک ها، و مغول ها بوده است که همه به این سرزمین وارد شدند و با مردمان دیگر درهم آمیختند و تاریخ این کشور را بنیاد نهادند ولی باز پایه ی فرمسی آن سرزمین آریایی ماند.

بنابراین ما تاریخ را از زمانی که مردمان اولیه در این سرزمین به شهرنشینی پرداختند و تمدنی را بنیانهادند آغاز می کنیم. موضوعی که مهم است همسایگان ایران است زیرا اثر آنها در کشور و اینکه روابط با آنها بخش های بزرگی از تاریخ ایران را تشکیل می دهد اهمیت آنها را آشکار می کند و برای بهتر شناختن تاریخ ایران، لازم است که ما با تاریخ آنها آشنا

باشیم. این آشنایی علاوه بر اینکه ما را به درک وقایع ایران کمک می‌کند ما را با سرگذشت مردمان دیگری آشنا می‌کند که دارای تاریخ بسیار جالب و شنیدنی بوده‌اند که دانستن آنها دید ما را به‌طور کل درباره‌ی تاریخ جهان گسترش می‌دهد. خوشبختانه ایران در طول تاریخ طولانی خود همسایگانی پیدا کرد که دارای تمدنی درخشان و سرگذشتی شنیدنی بوده‌اند که در تاریخ جهان اثری به‌سزا داشته‌اند بنابراین در این مجموعه طور اختصار از تاریخ میانرودان (بین‌النهرین)^۱ و یونان و روم که در درانی طولانی ایران همسایه بوده‌اند در جای خود یاد خواهد شد.

پیدایش انسان و برکنش او در زمین

انسان کنونی را از نظر علمی هموساپینس ساپینس^۲ گویند. انسان توانست روی دوپا بایستد و به این ترتیب دست‌های او توانست از الزام برای درگیر شدن در حرکت و انتقال از یک مکان به مکان دیگر آزاد شود. این موضوع انسان را قادر کرد که از دست‌های خود برای کارهای دیگر استفاده کند که مهم‌ترین آنها با وجود ساختمان خاصی که دست پیدا کرد و شصت و سایر انگشتان به‌صورت کنونی درآمد. اختراعی است و بنابراین انسان را می‌توان موجودی ابزارساز نامید که از این ابزار رایجش بردن مقاصد زندگی خود استفاده می‌کند. انسان در برابر جانوران از نظر فیزیکی و قابلیت حرکت ضعیف است و وسایل دفاعی او برای مقابله با این فانی‌ها و پایداری در برابر حیوانات عبارتند از: ۱- مغز انسان که بزرگ شده به او قابلیت تفکر و نقشه‌کشی داده است. ۲- قابلیت ابزارسازی. ۳- تمایل انسان به زندگی گروهی که لازمه‌اش تنظیم قاعده یا قانون و سازماندهی است که پایه‌های ابتدایی برای شهرنشینی و ایجاد تمدن است. دانشمندان پیدایش انسان هموساپینس را از آفریقا می‌دانند. در حدود

۱. در این کتاب به جای لغت ثقیل «بین‌النهرین» از واژه «میانرودان» استفاده می‌شود.

2. Homosapiens sapiens

۷۰/۰۰۰ سال پیش گروهی از آنها از آفریقا از راه سینا به آسیا مهاجرت کردند و به تدریج در تمام دنیا که قابل دسترسی بود پراکنده شدند. انسان‌های دیگری که در دنیا بودند در این حال از بین رفتند. در این زمان‌ها دوران‌های یخبندان در زمین به وجود می‌آمد و قسمت‌های بزرگی از زمین از یخ پوشیده می‌شد و سطح دریاها پایین می‌آمد و به این جهت بسیاری از خشکی‌هایی که اکنون از هم جدا می‌باشند به هم می‌پیوستند و انسان‌ها از این راه‌ها به سرزمین‌های جدید می‌رفتند، مثلاً ساکنان امریکا نواز می‌شدند از راه باب برینگ که آسیا را به امریکا پیوسته بود به امریکا بروند.

در حدود ۱۴۰۰۰ سال پیش دوران‌های یخبندان به پایان رسید و یخ‌ها عقب نشستند و آب گرم‌تر شد و سرزمین‌های بیشتری برای زندگی پیدا شد. در این زمان انسان‌ها زندگی خود را با شکار و گردآوری غذا و لوازم تأمین می‌کردند و بنابراین این انسان‌ها را شکارگر^۱، فرآور می‌گوییم. شواهد نشان می‌دهند که آنها درختان را خالی از میوه داشتند و از آن برای گرما یا پخت غذا استفاده می‌کردند.

پیشرفت بشر به ویژه در ابتدا بسیار کند بود. هزاران سال می‌گذشت تا بشر به دانشی نو دست می‌یافت. به تدریج برورش حیواناتی را که مناسب برای دامداری بودند یاد گرفت و به کاشتن دانه‌های دانه‌ها دست یافت و این آغاز کشاورزی بود. اولین کشاورزی در حدود ۱۰۰۰۰ سال پیش از میلاد در ناحیه‌ی هلال بارور^۲ در ناحیه خاور میانه آغاز شد (ناحیه‌هایی که امروزه از ناحیه میانرودان تا سوریه و فلسطین می‌نامند) و از آنجا به تدریج به شمال آفریقا و جنوب اروپا و سپس به سایر نقاط دنیا راه یافت (در چین و گینه به طور مستقل در حدود ۷۰۰۰ سال پیش از میلاد کشاورزی آغاز شد).

در ۶۰۰۰ سال پیش از میلاد کشاورزی در بسیاری از نواحی انجام

می‌شد. در این زمان جمعیت دنیا در حدود ۱۱ میلیون بود. کشاورزی تحول بزرگی در زندگی بشر به وجود آورد. پیش از آن با زندگی شکارگری و فرآوری هر ۲۵ کیلومتر مربع می‌توانست برای زندگی یک فرد کافی باشد ولی حتی با روش‌های ابتدایی کشاورزی همان زمین ۵۰۰ نفر را می‌توانست غذا دهد. به این ترتیب افزایش تولید پیدا شد به طوری که عده کمی می‌توانستند برای گروه زیادی غذا تهیه کنند و به این ترتیب بسیاری از مردم توانستند از چرخه‌ی ایجاد غذا خارج شوند و به کارهای دیگر بپردازند. قدمی ایجاب تخصص و پیدایش صنف‌های مختلف شغلی بود که لازمه‌ی سداش شهرنشینی و اجتماعات و ساکن شدن در یک مکان معین بود. با پیدایش طبقات مختلف و سازمان‌های حکومتی شد.

در ۴۰۰۰ سال پیش از میلاد: کشاورزی از هلال بارور به شمال آفریقا (که در آن زمان هنوز مصر عرب و بارور بود) و دره‌ی سند (هندوستان) و اروپا گسترش یافته بود. در آن زمان هنوز از وسایل سنگی و چوبی استفاده می‌شد. با بعضی از فلزات مانند مس و طلا آشنایی داشتند ولی به سبب نرمی آنها ساختن وسایل کار آنها مورد نداشت و بیشتر برای مصارف زینتی به کار می‌رفتند.

در حدود ۳۸۰۰ سال پیش از میلاد مفرغ (برون) از اختلاط مس با قلع (یا آرسنیک) ساخته شد و این آغاز عصر مفرغ بود. مفرغ قابلیت این است که سخت است و با آن می‌توان وسایل انجام کار و اسلحه ساخت. لزوم به یاد داشتن و تنظیم اموری که در یک اجتماع پیچیده بود نیاز بود از توانایی به صورت شفاهی گذشت و لازم شد که اینها ثبت شوند. این الزام باعث اختراع خط و نوشتن شد. خط در آغاز به صورت ابتدایی و تکامل نیافته بود. ابتدا در سومر به صورت تصویری و سپس در مصر به صورت هیروگلیف شروع شد. ایجاد خط یکی از مهم‌ترین دستاوردهای بشری است و آن را می‌توان آغاز دوره‌ی تاریخی دانست.

چون به وسیله‌ی آن وقایع ثبت شدند و ضبط گردیدند و اکنون ما می‌توانیم از آنها آگاه شویم. پیش از آن را دوران ماقبل تاریخ می‌گوییم.

خط سومری به‌صورت خط میخی تکامل یافت که بسیاری مانند آشوری‌ها و ایرانی‌ها آن را اقتباس کردند. فنیقی‌ها خطی ساختند که از حروف بی‌صدا تشکیل شده بود. یونانی‌ها خط فنیقی را گرفتند و به آن حروف با صدا را افزودند که آن را می‌توان پیشرفته‌ترین خط دنیای قدیم دانست.

پیدایش کشاورزی نیاز به آبیاری داشت و به این جهت اولین اجتهادات سهرارو تمدن‌های بشری در کنار رودهای بزرگ شروع شد. به‌طوری که می‌بینیم اولین تمدن‌های بشری در میانرودان، اطراف دجله و فرات، اطراف رود نیل (در مصر)، رود زرد (در چین)، و سند (در هند) پا گرفت. در آن زمان گیاهان و هلال بارور از نظر تعدد حیوانات و نباتات از پیشرفته‌ترین نقاط دنیا بود و به سبب نیست که می‌بینیم قدیمی‌ترین تمدن بشری در سومر ۳۵۰۰ سال پیش از میلاد در جنوب میانرودان پا گرفت و به دنبال آن در مصر و سپس در چین و هند تمدن آغاز شد. با مطالعه در سیر این تمدن‌ها پی می‌بریم که آنها نیز مانند بسیاری از پدیده‌های دنیوی یک زندگی و طول عمر سینه‌ها دارند، به‌وجود می‌آیند، به اوج می‌رسند و اغلب سقوط می‌کنند و از بین می‌روند و این تغییرات بستگی به عوامل بسیار دارد، تغییرات آب و هوا، زمین، اقلیمی، زمین، هجوم اقوام خارجی، فساد از داخل و از بین رفتن کادری که دمان همگی در فراز و نشیب‌های تمدن‌ها مؤثر بوده‌اند که بر روی آنها آموزش‌های سودبخش برای آیندگان دارد. یک موضوع مهم تاریخی مسئله‌ی دین است. اغلب اقوام چون با بلایای آسمانی و زمینی مانند صاعقه، زلزله، سیل و غیره مواجه می‌شدند و به سبب نبودن دانش علت آن را نمی‌توانستند دریابند خواه ناخواه در پشت آنها قدرت‌های خارق‌العاده‌ای تصور می‌کردند که خشم‌شان این بلایا را ایجاد کرده است.

و این قدرت‌ها را خدایان می‌گفتند و برای آنها معابد و پرستشگاه‌ها می‌ساختند و برای فرونشاندن خشم آنها و به دست آوردن رضایت آنها نذر‌ها می‌کردند و قربانی‌ها می‌نمودند که در بعضی از موارد قربانی انسان نیز انجام می‌شد. این عقاید در چگونگی رفتار و هدایت اجتماعات نقش بسیار داشته است به طوری که فرمانروایان گاهی خود را منسوب به خدایان و فرستاده‌ی آنها می‌دانستند و مردم را با این عقاید به اطاعت از خویش وامی‌داشتند.

با آغاز تمدن سومری در ایران که همسایه‌ی آن بود، به‌ویژه در ایلام که همسایه‌ی نزدیک سومر بود نیز تمدن پیدا شد و در تمام دوران حکومت‌های میان‌رودان روابط نزدیک بین ایلام و آنها برقرار بود. بنابراین آگاهی از حکومت‌های میان‌رودان کمال اهمیت را دارد و در اینجا به‌طور مختصر به شرح آنها می‌پردازیم.